

## مسئولیت اشخاص حقوقی در جرائم اقتصادی یا سازمان یافته:

### رویکردهای نوین ملی و بین‌المللی

دکتر بهنام یوسفیان شوردلی\*

#### چکیده

در شرایطی که مبارزه با جرائم اقتصادی و یا سازمان یافته در صدر اولویت‌های جامعه بین‌المللی بوده و پژوهش‌گران علوم جنایی در هر گوشه جهان در پی یافتن مؤثرترین شیوه‌های مهار این جرائم هستند، در مورد ضرورت رویکرد نوین به مسئولیت کیفری و یا شبه کیفری اشخاص حقوقی، به ویژه در ارتباط با اشکال مختلف جرائم مذکور، اجماع وسیع و بی‌سابقه‌ای شکل گرفته است. شناسایی مسئولیت اشخاص حقوقی در ارتباط با جرائم موضوع کنوانسیون ملل متحد بر ضد فساد، یکی از تعهدات بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران است که اجرای آن، آثار مثبتی در راستای تقویت حاکمیت قانون و کاهش فرصت‌های ارتکاب جرم دارد؛ این در حالی است که نظام کنونی حقوق ایران، برخلاف کشورهایمانند فرانسه، صرف نظر از مقررات قانون جرائم رایانه‌ای که اشخاص حقوقی را منحصراً در قلمرو بعضی جرائم ارتكابی در فضای مجازی از نظر کیفری پاسخگو دانسته، تقریباً هیچ سازوکار قابل توجهی در جهت جلوگیری از سوء استفاده از اشخاص حقوقی برای تعرض به منافع حیاتی اجتماعی و اقتصادی کشور در اختیار ندارد. اصلاح وضعیت موجود در این زمینه، کاملاً ضروری به نظر می‌رسد؛ اشخاص حقوقی باید بدون

---

\* استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد دامغان.

توجه به اینکه جرم در فضای مجازی یا به نحو دیگر ارتکاب یافته، مستقیماً در برابر جرائمی که در اثر ضعف نظام مدیریت و نظارت داخلی آنها و یا انحراف فعالیت‌های آنها از مسیر صحیح ارتکاب می‌یابد پاسخگو باشند و در صورت اقتضا، کیفرها یا ضمانت اجراهای متناسب، مؤثر و منصرف‌کننده‌ای اعم از جزای نقدی و مجازات‌های غیر نقدی را به حکم قانون تحمل نمایند. البته گسترش بیش از اندازه مسئولیت کیفری اشخاص مزبور (نظیر آنچه در ایالات متحده شاهد هستیم) نیز مطلوبیت نخواهد داشت و در این باره باید راه معتدل و سنجیده‌ای در پیش گرفته شود. تعقیب مؤثر اشخاص حقوقی در امور کیفری صرفاً با وضع قواعد جدید در حقوق ماهوی ممکن نمی‌شود؛ از همین رو، علاوه بر تنوع بخشیدن به ضمانت اجراهای کیفری قابل اعمال بر اشخاص حقوقی، باید اصلاحات مناسبی در قانون آیین دادرسی کیفری و مقررات ناظر بر اجرای احکام جزایی نیز صورت پذیرد.

#### کلید واژگان

اشخاص حقوقی، مسئولیت کیفری، جرم سازمان‌یافته، جرم اقتصادی.

## مقدمه

به مقتضای پذیرش اصل آزادی اراده و مسئولیت اخلاقی انسان در قبال اعمال خویش، به لحاظ تاریخی مسئولیت جزائی اصولاً از خصایص اشخاص حقیقی تلقی می‌شده است، زیرا، تنها موجود انسانی که قدرت کنترل تصمیمات خود و درک مقررات قانونی را دارد می‌تواند در قبال اعمال خویش پاسخگو باشد. حتی امروز هم محکومیت کیفری و سرزنش اخلاقی ناشی از این محکومیت، طبق آموزه‌های معتبر حقوق جزا، معمولاً مستلزم ارتکاب تقصیر است. مسئولیت بدون تقصیر در این رشته حقوقی، جنبه کاملاً استثنایی دارد و به هیچ وجه طبیعی به نظر نمی‌رسد. از آنجا که اشخاص حقوقی فقط از طریق دیگران تصمیم گرفته و اقدام می‌نمایند، فرض وجود اراده و تقصیر در مورد آنها مواجه با اشکال می‌شود و لذا نهاد مسئولیت کیفری برای خود شخص حقوقی (به جای مدیران یا کارکنان آن) دقیقاً به همین دلیل، هنوز هم از لحاظ نظری شدیداً بحث‌انگیز است. (Szott Moohr: 4; Hasnas: 2-8) از همین رو، در گذشته نه چندان دور، این اصل که «اشخاص حقوقی نمی‌توانند مرتکب جرم شوند» تقریباً در سراسر جهان به جز ایالات متحده مقبولیت داشت<sup>۱</sup> و این اشخاص فقط به شکل مدنی در صورت اقامه دعوی از طرف شخص زیان دیده ممکن بود مسئولیت داشته باشند. امروز هم کسانی هستند که پذیرش مسئولیت کیفری برای اشخاص حقوقی را یک اشتباه بنیادین می‌دانند و پیشنهاد می‌کنند که این نهاد حقوقی به کلی کنار گذاشته شده و جانشین مناسبی برای آن پیدا شود. (Hasnas: 46-47)

با این همه چنان که در مقاله حاضر ملاحظه خواهد شد، امروز بخصوص در ارتباط با جرائم اقتصادی و یا سازمان‌یافته، نگرش منفی به مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی، دیگر

۱. اصل مزبور با این عبارت در زبان لاتین بیان شده است: "societas delinquere non potest".

برعکس گذشته جاذبه چندانی ندارد. در حقیقت ظرف کمتر از سه دهه گذشته، بخصوص در اروپای غربی از جمله فرانسه، تحول بزرگی در دیدگاه‌های سنتی روی داده است (Beale and Safwat, 2005: 89 and 107-110; Bouloc, 2007: 277-278). خردادماه ۱۳۸۸ با تصویب قانون جرائم رایانه‌ای (روزنامه رسمی شماره ۱۸۷۲۴ مورخ ۱۳۸۸/۴/۱۷)، مسئولیت اشخاص حقوقی در امور کیفری برای نخستین بار (هرچند در قلمرو محدود بعضی جرائم رایانه‌ای) به طور نظام‌مند مورد قبول قرار گرفت و در سایر کشورهای جهان نیز عموماً هماهنگ با توصیه‌ها و تعهدات جدید بین‌المللی، اصلاحات کمابیش مشابهی در نظام‌های حقوق ملی صورت پذیرفته است. اما علت این تحول چشم‌گیر چیست؟ چرا و چگونه (تحت چه شرایط و با چه قواعدی) مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در ارتباط با بزهکاری سازمان‌یافته یا اقتصادی باید پذیرفته شود؟ آیا مقررات جدید قانون جرائم رایانه‌ای در زمینه پذیرش مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی توانسته است نظام حقوق جزای کشورمان را با معیارهای قابل قبول در سطح بین‌المللی منطبق سازد؟ چه اصلاحات دیگری در حقوق ما در جهت پاسخ‌گویی واقعی اشخاص حقوقی در قبال جرائم اقتصادی و یا سازمان‌یافته، ضروری است؟ این مقاله سعی دارد با یک رویکرد تطبیقی (ضمن بررسی مقررات جدید وضع شده در حقوق ایران، حقوق چند کشور خارجی بویژه فرانسه و نیز منابع و اسناد بین‌المللی) به این پرسش‌های مهم پاسخی درخور بدهد. در این راستا، ابتدا در بند (الف) توجهات یا مبانی شناسایی مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در سایه نظم نوین اقتصادی حاکم بر جهان را مطالعه کرده و در بند (ب) از تأثیر این مبانی و توجهات جدید در سطح بین‌المللی سخن می‌گوییم. در ادامه، پس از بحث در زمینه اشکال و کیفیات مختلف و قواعد حاکم بر مسئولیت جزایی اشخاص حقوقی در بعضی نظام‌های حقوق ملی به شرح بند (ج)، در بندهای (د) و (ه) به مقایسه تفصیلی وضعیت نظام حقوقی ایران با نمونه نسبتاً موفق حقوق فرانسه و بیان نارسایی‌های

موجود در اثر خلأ ناشی از عدم پذیرش فراگیر مسئولیت این اشخاص در حقوق جزای ایران مبادرت ورزیده و در نهایت، به نتیجه گیری از تمامی مباحث مطروحه می پردازیم.

### الف) تبیین حقوقی و جرم‌شناختی مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در پرتو نظم نوین اقتصادی

طرف‌داران مسئولیت جزائی اشخاص حقوقی معتقدند که نمی‌توان این قبیل اشخاص را (آن طور که عقیده مخالفان است) موجوداتی صرفاً اعتباری پنداشت، آنها کاملاً واقعیت خارجی دارند و در زندگی اجتماعی به طور محسوس حاضر هستند، اراده می‌کنند و تصمیم می‌گیرند. (Beale, 2009: 2-5; Bouloc, 2007: 274-275) در هر حال حتی اگر برای این نوع اشخاص ماهیتی مستقل از احکام مقنن قائل نباشیم، به هیچ وجه نمی‌توانیم نقش عمده و فزاینده آنها را در زندگی کنونی، چه در عرصه‌های اقتصادی و چه در زمینه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، انکار کنیم و قادر نیستیم بدون کنترل مؤثر رفتارها و تصمیم‌گیری‌های جمعی که در قالب این گونه اشخاص صورت می‌گیرد، نظم عمومی را برقرار ساخته و منافع حیاتی جامعه را تأمین و تضمین نماییم. توضیح اینکه همراه با خصوصی‌سازی‌های گسترده و آزادسازی اقتصاد در مناطق مختلف جهان، بر اثر ادغام اقتصادهای ملی در نظامات جدید منطقه‌ای و بین‌المللی و اهمیت روزافزون تبادلات گوناگون مالی و اقتصادی میان کشورهای مختلف جهان و رشد سریع و خارق‌العاده فن‌آوری‌های اطلاعات و ارتباطات، نقش اشخاص حقوقی نیز در مقایسه با گذشته به شدت پررنگ شده، به نحوی که تقریباً هیچ فعالیت اقتصادی و اجتماعی مهمی بدون مداخله آنها صورت نمی‌گیرد. امروزه نه تنها فعالیت‌های اصلی تجارتي و صنعتی، بلکه اقدامات فرهنگی و اجتماعی عمده نیز در همه جای جهان تقریباً به طور کامل از طریق و در چارچوب تصمیمات و فعالیت‌های اشخاص حقوقی یا در جهت منافع آنها صورت می‌-

گیرد؛ (Lederman: 644) خواه ناخواه در این بستر مناسب و گسترده، خطرات ناشی از جرائم اقتصادی از قبیل پول‌شویی، فساد مالی-اداری و انواع جرائم سازمان‌یافته مانند جرائم مرتبط با مواد اعتیادآور، قاچاق انسان و اعضای بدن، قاچاق مهاجرین، تجارت غیر قانونی سلاح و گونه‌های در معرض خطر گیاهی و جانوری و جرائم علیه میراث فرهنگی نیز تشدید شده و شاهد این حقیقت هستیم که بخش بزرگی از تمامی انواع جرائم مزبور توسط اشخاص حقوقی یا با سوء استفاده از آنها ارتکاب می‌یابند. از همین رو، به تدریج ملاحظات و دغدغه‌های عملی و واقع‌بینی جرم‌شناختی بحث‌های فلسفی و مجادلات پایان‌ناپذیر گذشته را به حاشیه رانده‌اند، به نحوی که در حال حاضر قانون‌گذاران اکثر کشورها مسئولیت کیفری یا شبه کیفری اشخاص حقوقی را امری محتوم می‌دانند و کشورهای اروپایی، آفریقایی و آسیایی نیز در این زمینه کمابیش یکی پس از دیگری به همان مسیری رفته‌اند که در ایالات متحده آمریکا از حدود یک قرن پیش از این گشوده شده بود (Lederman: 645-647). تا جایی که به مبارزه با اشکال نوین و سودآور بزهکاری مربوط می‌شود، نظام حقوقی هر کشور، تا زمانی که قواعد مناسبی در زمینه مورد بحث نداشته باشد، در حمایت از حاکمیت قانون در قلمرو اقتصادی، بسیار ناتوان خواهد بود، زیرا، روابط پیچیده اقتصادی و ساختار بسته و متشکل اشخاص حقوقی به ویژه شرکت‌های تجاری، اجازه می‌دهد که جرائمی مانند نقض موازین زیست‌محیطی، تخلف از مقررات بهداشتی، تخریب میراث فرهنگی، رقابت مکارانه، تبلیغات گمراه کننده و نقض حقوق مصرف کننده، تقلبات مالی، رشاء، تطهیر عواید مجرمانه و انواع سوداگری‌های بزهکارانه، غالباً بدون اینکه مسئولیت شخص حقیقی معینی قابل احراز و اثبات باشد، در قالب کلی شخص حقوقی ارتکاب یابد. از آنجا که نفع حاصل از این جرائم به اشخاص حقوقی و سهامداران آنها می‌رسد، تنها با احساس مسئولیت سهامداران، شرکا و مدیران این اشخاص است که می‌توان به مهار فعالیت‌های مجرمانه آنها امیدوار بود. نه تنها در بسیاری موارد به

علت دخالت افراد متعدد در تصمیم‌گیری‌ها و رابطه مبهم میان تصمیم‌اتخاذی و وقوع جرم، شناسایی مباشرین جرم دشوار است، بلکه حتی در صورت شناسایی مباشر جرم (شخص حقیقی مرتکب) نیز چه بسا امکان تعقیب او وجود نداشته یا چنین امکانی به اندازه کافی، در تغییر رفتار اشخاص حقوقی مؤثر نباشد (یوسفیان شوره‌دلی، ۱۳۸۸: ۱۰۹-۱۰۸). همچنین منصفانه نیست در شرایطی که فعالیت مجرمانه حاصل یک فرایند پیچیده تصمیم‌گیری جمعی بوده که عده زیادی از اشخاص در آن ایفاء نقش کرده و چه بسا از آن سود برده‌اند، تمام بار مسئولیت به تنهایی بر عهده یک یا چند نفر معین و نه نماد هویت جمعی، یعنی شخص حقوقی، نهاده شود.

قدرت اشخاص حقوقی در ارتکاب فعالیت‌های مجرمانه گاه چنان افزایش می‌یابد که اگر نظام کیفری فقط با اشخاص حقیقی (ولو در عالی‌ترین سطوح مدیریت) برخورد کند، از توجه به بخش بزرگی از واقعیت باز می‌ماند؛ در مواردی که فعالیت بزهکارانه به صورت سیاست کلی یا راهبردی شخص حقوقی درآمده، اکتفا ورزیدن به تعقیب اشخاص حقیقی، نمی‌تواند مشکل چندانی را حل کند. (Beale, 2009: 4-6)

شناسایی مسئولیت کیفری یا شبه کیفری اشخاص حقوقی به خصوص در جرائم مورد بحث ما عمدتاً دو هدف بازدارندگی و پیشگیری (از طریق مجازات و بازسازی گاری شخص حقوقی و حذف فرصت‌های مجرمانه برای کارکنان آن) را تعقیب می‌نماید. از یک سو، سعی می‌شود که بایی نیاز ساختن دادستان یا مقام تعقیب‌کننده از شناسایی و معرفی یک یا چند نفر شخص حقیقی معین به عنوان مجرم، بخصوص در پرونده‌های پیچیده که جرم با سوء استفاده از ساختار متشکل شخص حقوقی و تقسیم کار گسترده میان عده زیادی از مدیران و کارکنان آن تحقق یافته، در عوض با تحمیل بار مسئولیت بر تمامی پیکره شخص حقوقی که به مراتب آسان‌تر است، احتمال صدور حکم محکومیت و قطعیت ضمانت اجراهای قانونی افزایش یافته و مآلاً بازدارندگی حقوق کیفری یا شبه کیفری تشدید شود.

از سوی دیگر این امیدواری وجود دارد که با توسل یا تهدید به توسل به چنین سازوکاری، مدیران و نمایندگان اصلی اشخاص حقوقی برای احتراز از زیان‌های مالی و رسوایی‌های ناشی از محکومیت کیفری یا شبه کیفری، وادار به ایجاد و تحکیم نظامات کنترل داخلی در اشخاص حقوقی شوند تا با نوعی پیشگیری وضعی، موقعیت‌های مناسب ارتکاب جرم و خطرات ناشی از این موقعیت‌ها حذف یا به نحو اطمینان‌بخشی مدیریت شوند. افزون بر این‌ها، آن دسته از صاحب‌نظران که مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی را بر گزینه‌های غیر کیفری مرجح می‌دانند، به درستی استدلال می‌کنند که ابراز نارضایتی و اعلام انزجار عمومی، یکی از کارکردهای اصلی حقوق جزا است، کارکردی که فقط در گزینه کیفری به طور واضح مشهود است؛ تعقیب کیفری پیام ضمنی مفیدی در بر دارد که می‌تواند تبعیت از قوانین و مقررات را به عنوان یک ارزش غیر قابل مصالحه معرفی کند، برعکس محکومیت مدنی که گاهی می‌تواند این پیام ضمنی را داشته باشد که می‌توان قانون را با پرداخت بهای کافی نقض نمود. (Henning: 10-12) همچنین امکان استفاده از منابع عمومی دادستانی و پلیس نیز تقریباً همیشه محدود به موارد استفاده از گزینه کیفری است و این امر در کنار سرعت و روانی نسبی فرایند کیفری از یک دیدگاه عمل‌گرایانه، در بعضی کشورها مسئولیت جزایی اشخاص حقوقی را قابل قبول ساخته است.

### ب) تاریخچه و تحلیل مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در اسناد کیفری منطقه‌ای و جهانی

بر اثر انعکاس نیازها و ضرورت‌های جدید اقتصادی در سطح بین‌المللی، هفتمین کنگره پیشگیری از جرم و اصلاح مجرمین ملل متحد که در شهر میلان ایتالیا در سال ۱۹۸۵ برگزار شد، مجموعه اصول راهنمای پیشگیری از جرم و عدالت کیفری در بستر توسعه و نظم نوین اقتصادی را پیشنهاد کرد و متعاقباً مجمع عمومی ملل متحد نیز در بند ۴



قطع‌نامه شماره ۳۲-۴۰ بر این اصول صحه گذاشت. (UNODC, 2006: 109, fn 63) در بند ۹ این اصول راهنما تصریح شده است که شناسایی مسئولیت کیفری مؤسسات، شرکت‌ها و بنگاه‌های تجاری و نیز افرادی که به نمایندگی آنها یا در یک سمت تصمیم‌گیری و اجرایی برای اشخاص حقوقی قرار دارند، باید مورد توجه و بررسی جدی اعضای سازمان ملل متحد قرار گیرد. سه سال بعد (۱۹۸۸) شورای اروپا توصیه‌نامه مهمی را در این باره به تصویب رسانده و به کشورهای عضو پیشنهاد کرد موضوع مسئولیت کیفری بنگاه‌های اقتصادی واجد شخصیت حقوقی را مورد مطالعه قرار دهند. شورا در این زمینه به سه نکته مهم اشاره می‌کند: ابعاد وسیع خساراتی که از جرائم ارتكابی در خلال فعالیت این گونه بنگاه‌ها حاصل می‌شود؛ پیچیدگی ساختار آنها که شناسایی افراد مسؤول را در بسیاری موارد دشوار می‌سازد و سرانجام، مطلوبیت تحمیل مسئولیت کیفری بر خود شرکت یا بنگاه اقتصادی به عنوان عامل اصلی در ارتكاب جرم. شورا در عین حال خاطر نشان می‌سازد که منظور از این پیشنهاد این نیست که مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی، جانشین مسئولیت اشخاص حقیقی به ویژه مدیران شرکت‌های تجاری شود. در همین توصیه‌نامه شورا از کشورهای عضو می‌خواهد تا علاوه بر ضمانت اجرای نقدی، انواع دیگر ضمانت اجراهای قابل تحمیل بر اشخاص حقوقی (نظیر مصادره اموال، تعیین مدیران سرپرست از طرف دادگاه، انتشار حکم محکومیت یا حتی تعطیلی، انحلال و تصفیه اجباری شخص حقوقی) را نیز در حقوق داخلی خود منظور نمایند (Beale and Safwat, 2005: 127-8).

Council of Europe Committee of Ministers: rec (1988) 18).

پس از صدور این اسناد ارشادی، بسیاری از اسناد بین‌المللی مرتبط با جرائم سازمان‌یافته، فساد و سایر جرائم اقتصادی بر همین اصل پافشاری کرده و از دولت‌ها می‌خواهند تا اگر مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی از لحاظ اصول حقوق داخلی آنها قابل قبول نیست، حتماً با اصلاحات لازم در حقوق مدنی یا حقوق اداری خود، به نحوی اقدام نمایند که

ضمانت اجراهای شبه کیفری مناسبی برای اشخاص حقوقی متخلف وجود داشته باشد. برای نمونه، در یکی از مهم‌ترین اسناد شورای اروپا بر ضد فساد مالی-اداری که تحت عنوان مجموعه اصول راهنمای بیست‌گانه بر ضد فساد در ۶ نوامبر ۱۹۹۷ به تصویب کمیته وزرای شورای اروپا رسیده (طبق اصل پنجم) و نیز در کنوانسیون جزایی شورای اروپا بر ضد فساد در ماده ۱۸، صریحاً بر اهمیت پیشگیری از هر نوع سوء استفاده از اشخاص حقوقی برای پوشاندن جرائم مصداق فساد مالی-اداری تأکید شده و مسئولیت این گونه اشخاص در قبال جرائم مزبور، به عنوان یکی از الزامات کشورهای عضو شناخته می‌شود؛ گروه دولت‌های شورای اروپا بر ضد فساد (گریکو)<sup>۲</sup> نظارت بر اجرای صحیح الزامات فوق را در دومین دوره نظارتی خود در دستور کار قرار داد (یوسفیان شوره‌دلی، ۱۳۸۶).

تقریباً به طور همزمان در سال ۲۰۰۰، کنوانسیون ملل متحد بر ضد جرم سازمان‌یافته فراملی (که ظرف کمتر از یک دهه با عضویت بیش از دو سوم اعضای سازمان ملل به راستی جنبه جهان‌شمول یافته و عملاً مهم‌ترین سند حقوق بین‌الملل در زمینه امور کیفری به شمار می‌رود) در بند ۱ ماده ۱۰ مقرر داشت: «هر دولت عضو با رعایت اصول حقوقی خود تدابیر لازم را اتخاذ خواهد کرد تا مسئولیت اشخاص حقوقی برای مشارکت در جرائم مهمی که در قالب گروه‌های بزهکاری سازمان‌یافته ارتکاب می‌یابد و یا هر یک از جرائم مندرج در مواد ۵، ۶، ۸ و ۲۳ این کنوانسیون پذیرفته شود.» همین طور در ماده ۲۶ کنوانسیون ملل متحد بر ضد فساد که دولت ایران مانند اکثریت قاطع کشورهای جهان ملتزم به اجرای آن شده است، مقررات مشابهی در مورد مسئولیت اشخاص حقوقی در قبال جرائم مندرج در کنوانسیون اعم از رشاء نسبت به مقامات داخلی و خارجی، تطهیر عواید

2. the Council of Europe Group of States against Corruption- GRECO

مجرمانه، ممانعت از اجرای عدالت و... دیده می‌شود.

برای تحقق سطح مناسبی از بازدارندگی در قبال جرائم اقتصادی یا سازمان‌یافته‌ای که با سوء استفاده از اشخاص حقوقی به وقوع می‌پیوندند، مطابق استاندارد پذیرفته شده در سطح جهانی، حداقل رعایت نکات ذیل در هر نظام حقوق جزای ملی الزامی است:

اولاً: به صراحت تعداد زیادی از اسناد بین‌المللی مربوطه از جمله بند ۴ ماده ۱۰ کنوانسیون ملل متحد بر ضد جرم سازمان‌یافته فراملی و بند ۴ ماده ۲۶ کنوانسیون ملل متحد بر ضد فساد، کیفر یا ضمانت اجرای مشابه برای اشخاص حقوقی، باید متناسب، مؤثر و منصرف‌کننده بوده و اهمیت جرائم اقتصادی یا سازمان‌یافته چه در سطح قانون‌گذاری و چه در رویه قضایی، مد نظر قرار گیرد. در خصوص اشخاص حقوقی، قانون‌گذار هر کشور باید کیفر یا ضمانت اجرای نقدی را در فهرست ضمانت‌اجراهای قابل تحمیل در حقوق ملی خود قرار دهد. به نظر می‌رسد از آنجا که ضمانت اجرای نقدی در بیشتر کشورها یکی از مهم‌ترین و شاید اصلی‌ترین واکنش قابل تحمیل بر اشخاص حقوقی است و مخصوصاً با توجه به اینکه ارتکاب جرائم سازمان‌یافته و یا اقتصادی عموماً به انگیزه جلب منافع مالی صورت می‌گیرد، منطقی و طبیعی است که با وضع مقررات مناسب، جزای نقدی به میزان چند برابر میزان قابل اجرا نسبت به اشخاص حقیقی برای اشخاص حقوقی در نظر گرفته شود.

ثانیاً: مطابق قواعد بین‌المللی، بخصوص ماده ۱۲ کنوانسیون ملل متحد بر ضد جرم سازمان‌یافته فراملی و ماده ۳۱ کنوانسیون ملل متحد بر ضد فساد، در عموم جرائم مهم سازمان‌یافته یا اقتصادی، کلیه اموالی که از طریق جرائم مورد نظر تحصیل شده و یا معادل آنها از سایر اموال مرتکب باید در حدود قانون و به حکم دادگاه مصادره شود. این قاعده شامل اموال، آلات و ادواتی نیز خواهد بود که در ارتکاب جرم به کار رفته یا به این منظور اختصاص یافته باشد. بدیهی است در این مورد نیز چون بسیاری از اموال مجرمانه یا آلات

و ادوات ارتکاب جرم و یا حسب مورد درآمد حاصل از جرم در بزهکاری اقتصادی یا سازمان یافته به اشخاص حقوقی تعلق دارد و یا در دارایی این قبیل اشخاص داخل می شود، نتیجتاً ضروری است که نظام حقوقی هر کشور بتواند احکام مصادره را نسبت به اشخاص حقوقی نیز صادر کرده و به مرحله اجرا در آورد. البته این مقررات ماهوی، بدون اصلاحات لازم در آیین دادرسی کیفری و سایر مقررات شکلی قابل اجرا نخواهد بود و باید مقرراتی وضع شود که کیفیت رسیدگی به اتهامات اشخاص حقوقی، توقیف احتیاطی اموال آنها و بخصوص صدور قرارهای تأمین قضایی برای اینگونه اشخاص را روشن سازد.

ثالثاً: مسئولیت اشخاص حقوقی، بر اساس امکانات و شرایط موجود در نظام حقوقی هر کشور، مادام که شرایط فوق را به نحو واقعی تأمین نماید، می تواند به یکی از سه صورت کیفری، مدنی یا اداری باشد. بدیهی است احراز مسئولیت اشخاص حقوقی به هیچ وجه با تعقیب و مجازات کسانی که در همان جرائم به عنوان شخص حقیقی، در فعالیت بزهکارانه مباشرت یا به نحوی از انحاء مداخله داشته اند منافات نخواهد داشت.

در حالی که اسناد جهانی بخصوص در سطح سازمان ملل متحد پس از بیان اصل ضرورت شناسایی مسئولیت اشخاص حقوقی با پرهیز از ورود در جزئیات، نسبت به این پرسش که مسئولیت اشخاص حقوقی در قبال مداخله در بزهکاری اقتصادی با سازمان یافته در کدام حالات و شرایط تحقق می یابد ساکت بوده و این مهم را به تصمیم قانون گذاران ملی واگذار کرده اند، برعکس در سطح اتحادیه و جامعه اروپا و نیز شورای اروپا، اسناد حقوقی متعددی در این مورد صریحاً تعیین تکلیف کرده اند.<sup>۳</sup>

۳. از جمله می توان به مقررات ذیل اشاره نمود: نخست، اسناد جامعه و اتحادیه اروپا: ماده ۵ تصمیم جهت بخش اتحادیه اروپا در خصوص مبارزه با فساد در بخش خصوصی مصوب سال ۲۰۰۳ و ماده ۳ پروتوکل دوم الحاقی به کنوانسیون مربوط به حمایت از منافع مالی جوامع اروپایی مصوب ۱۹۹۷: UNODC, 2005)

در این اسناد که متن مواد مربوطه در آنها تقریباً با مختصر تغییر عبارتی به صورت واحدی تنظیم شده، مسئولیت اشخاص حقوقی در دو حالت کلی به شرح ذیل قابل احراز تلقی شده است:

نخست، مسئولیت شخص حقوقی به علت جرائم ارتكابی توسط ارکان و نمایندگان اصلی (نظریه مغز متفکر). بند (۱) مواد مربوطه (با مختصری تغییر عبارتی در بعضی اسناد که اثر ماهوی ندارد) مقرر می‌دارد:

«هر دولت عضو، تدابیر تقنینی و سایر تدابیر لازم را اتخاذ خواهد نمود تا اطمینان حاصل شود که اشخاص حقوقی را می‌توان برای هر یک از جرائم کیفری مقرر به موجب این کنوانسیون، مسؤول شناخت؛ این مسئولیت در موردی است که یک شخص حقیقی، اعم از آنکه به طور انفرادی یا به عنوان رکن شخص حقوقی اقدام کرده باشد، در جهت منافع شخص حقوقی مزبور، با داشتن یک موقعیت اصلی و هدایت کننده در شخص حقوقی مرتکب جرم شود؛ موقعیت اصلی و هدایت کننده عبارت است از: الف) اختیار نمایندگی شخص حقوقی؛ ب) صلاحیت تصمیم‌گیری از جانب شخص حقوقی؛ ج) اختیار اعمال کنترل و نظارت در داخل شخص حقوقی.»

در این حالت از مسئولیت، رفتار مجرمانه یکی از افرادی که نقش اصلی و هدایت

←

(205 and 180. دوم، اسناد شورای اروپا: ماده ۱۸ کنوانسیون جزایی سال ۱۹۹۹ شورای اروپا بر ضد فساد؛ ماده ۱۲ کنوانسیون سال ۲۰۰۱ شورای اروپا در خصوص جرائم ارتكابی در فضای مجازی؛ ماده ۲۲ کنوانسیون سال ۲۰۰۵ شورای اروپا در خصوص اقدام بر ضد قاچاق انسان؛ ماده ۱۰ کنوانسیون سال ۲۰۰۵ شورای اروپا در خصوص تطهیر، ردیابی، توقیف و مصادره عواید مجرمانه و تأمین منابع مالی تروریسم و بالاخره، ماده ۲۶ کنوانسیون سال ۲۰۰۷ شورای اروپا راجع به حمایت از صغار در برابر استثمار جنسی و آزار جنسی.

(Council of Europe Treaty Series, nos. 173, 185, 197, 198 and 201 respectively).

کننده در شخص حقوقی دارد، موجب مسئولیت شخص حقوقی می‌شود، خواه به ابتکار شخصی بوده و یا به عنوان رکن یا ارگان شخص حقوقی انجام شده باشد، مشروط بر اینکه اولاً: عمل مجرمانه از یکی از افرادی که اختیار نمایندگی یا اتخاذ تصمیم برای شخص حقوقی و یا اعمال نظارت و کنترل در داخل شخص حقوقی دارند، سر زده باشد و ثانیاً: عمل مجرمانه در راستای منافع شخص حقوقی ارتکاب یابد. بنابراین از نظر این مقررات، عمل مجرمانه افرادی که نقش هدایت کننده و اصلی به یکی از معانی فوق در شخص حقوقی ندارند، اصولاً به خودی خود به حساب شخص حقوقی گذاشته نمی‌شود، اگرچه در راستای منافع آن هم صورت پذیرد.

دوم: مسئولیت اشخاص حقوقی ناشی از قصور در اعمال نظارت و کنترل (نظریه مسئولیت مافوق یا مسئولیت کارفرما). بند (۲) مواد مربوطه می‌گوید:

«گذشته از مواردی که مشمول بند (۱) می‌باشد، هر یک از اعضا مکلف است اطمینان حاصل کند در مواردی نیز که فقدان نظارت و کنترل توسط یکی از اشخاص حقیقی مذکور در بند (۱) موجب شده که شخص حقیقی دیگری که تحت اقتدار شخص حقوقی می‌باشد، در جهت منافع شخص حقوقی مرتکب جرم شود، شخص حقوقی را می‌توان مسئول شناخت.»

بر این اساس، دومین حالت مسئولیت، زمانی تحقق می‌یابد که فقدان نظارت و کنترل نسبت به اعمال زیردستان و کارکنان تحت نظارت یا مدیریت، موجب ارتکاب جرم توسط آنها شده و یکی از افرادی که در شخص حقوقی در سمت اصلی و هدایت کننده (به شرحی که در بند نخست توضیح داده شد) قرار دارد، در فقدان این نظارت یا مدیریت صحیح، مقصر باشد؛ به عبارت دیگر، هرگاه کوتاهی یکی از مقامات اصلی شخص حقوقی به صورت نقص مدیریت و فقدان نظارت نسبت به حسن رعایت قوانین و مقررات، موجب شود که افراد تحت مدیریت یا کارکنان شخص حقوقی مرتکب جرم شوند،

شخص حقوقی به خاطر جرائم کارکنان و مأمورین مزبور، مسئولیت جزایی یا شبه جزایی خواهد داشت.

### ج) اشکال یا کیفیت‌های مختلف مسئولیت اشخاص حقوقی از دیدگاه مقررات ملی

به رغم تکرار مقررات نسبتاً مشابه در اسناد بین‌المللی فوق درباره مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی و کیفیات مختلف تحقق آن، هنوز تفاوت‌ها میان حقوق ملی کشورهای مختلف در این زمینه کاملاً چشمگیر است. برای نمونه در حقوق فرانسه به طوری که در بند (د) به تفصیل خواهیم دید، مسئولیت جزایی را بیشتر بر اساس نظریه مغز متفکر یعنی عمل ارکان و نمایندگان اصلی شخص حقوقی پذیرفته و در حالت دوم یعنی کوتاهی در اعمال نظارت و پیشگیری، معمولاً به مسئولیت اداری یا مدنی اکتفا می‌ورزند. این رویکرد در تعقیب شرکت‌های بزرگ که ساختار تصمیم‌گیری بسیار پیچیده‌ای دارند، معمولاً مشکل‌ساز می‌شود و از همین رو، مورد انتقاد بعضی حقوق‌دانان قرار گرفته است؛ با این همه از زمان اصلاحات سال ۲۰۰۰ در قانون‌نامه (کد) مجازات فرانسه، نظریه مسئولیت کارفرما یا مسئولیت ناشی از عمل دیگری هم تا حدی پذیرفته شده و جرائم ناشی از بی‌احتیاطی یا تقصیر غیر عمدی که در اثر کوتاهی مقامات ارشد شخص حقوقی توسط مأمورین یا مقامات تحت مدیریت یا نظارت محقق می‌شوند، تحت شرایطی به شخص حقوقی قابل انتساب هستند.

می‌توان گفت در انگلستان نیز سابقاً موضع مشابهی اتخاذ شده بود: در این کشور نیز با توجه به رویه مجلس اعیان، جز در مورد بعضی جرائم مادی صرف، فقط جرائم مقامات عالی‌رتبه و نمایندگان اصلی شخص حقوقی به حساب آن گذارده می‌شد، اما بخصوص در سال‌های اخیر، توجه زیادی به نظریه مسئولیت کارفرما شده است. به این ترتیب، امروزه در

حقوق انگلستان نهاد مورد بحث از بعضی جهات توسعه بیشتری یافته و علاوه بر تصویب قوانین تازه‌ای که فقدان نظارت و پیشگیری کافی از صدمات جانی را موجب مسئولیت شخص حقوقی می‌شناسد، در مورد بعضی جرائم مادی صرف بر اساس نظریه مسئولیت ناشی از عمل دیگری، عمل هر یک از کارکنان و مقامات شخص حقوقی در هر مرتبه‌ای که باشند، موجب مسئولیت جزایی شخص حقوقی می‌شود. (Tarelli: 3-5; Beale, 2009: 16-19)

برعکس در ایالات متحده، طبق حقوق فدرال پاسخگویی اشخاص حقوقی در قبال اعمال مقامات و کارکنان خود، در تمامی موارد بر اساس نظریه مسئولیت کارفرما یا مسئولیت ناشی از عمل دیگری، پایه‌ریزی شده است: نهاد مسئولیت جزایی شخص حقوقی به شدت توسعه یافته و در بسیاری موارد عمل مجرمانه تمامی کارکنان و مقامات اشخاص حقوقی (هرچند در رده‌های پایین سازمانی قرار داشته باشند) به شرطی که واقعاً یا ظاهراً در مقام انجام وظیفه برای شخص حقوقی و حداقل تا حدی به قصد تأمین منافع آن ارتکاب یابد، ولو اینکه با سیاست کلی اتخاذی توسط شخص حقوقی مغایرت داشته باشد، به حساب شخص حقوقی نهاده می‌شود. جالب توجه است که در ایالات متحده، دادگاه‌ها تا جایی پیش رفته‌اند که اثبات اتخاذ تدابیر ضروری و متعارف برای پیشگیری از جرم توسط مدیران شخص حقوقی را نیز موجب معافیت از مسئولیت نمی‌شمارند، حال آنکه در کشوری مانند سوئیس درست عکس این قاعده پذیرفته شده است (Beale and Safwat, 2005: 113).

باید گفت در حقیقت همین زیاده‌روی در توسعه این نهاد حقوقی در کنار عوامل دیگر، کار را به جایی رسانده که در ایالات متحده، با آنکه این کشور از سال ۱۹۰۹ در پذیرش چنین مقرراتی پیشگام شده برخلاف بسیاری دیگر از نقاط جهان، در حال حاضر انتقادات نسبتاً تندی علیه این نهاد حقوقی صورت گرفته و بسیاری از لزوم تحدید یا حذف کامل آن سخن بگویند. گفته می‌شود دادگاه‌ها و قانون‌گذاران این کشور بخصوص با در



نظر گرفتن اختیارات وسیع دادستانی، عملاً وضعیتی را به وجود آورده‌اند که شرکت‌های تجاری از ترس محکومیت کیفری، حتی اتهامات بی‌پایه را هم پذیرفته و ناچار می‌شوند با تن دادن به شرایط سنگین و غیر منصفانه‌ای، با دادستانی برای احتراز از محاکمه مصالحه نمایند. منتقدان می‌گویند چون دفاعیه خاصی در اختیار اشخاص حقوقی قرار ندارد تا با استناد به آن امیدوار به تبرئه در دادگاه باشند، عملاً تنها راه آنها در قبال تهدید دادستانی به صدور ادعانامه، اقرار به جرائمی است که گاه واقعاً مرتکب نشده‌اند. همان‌طور که منتقدان به درستی استدلال کرده‌اند، اهداف حقوق جزا در تحمیل مجازات هرچه که باشد، کیفر دادن شخص حقوقی موجه نیست مگر اینکه در واقع با نقص نظارت و کنترل داخلی خود، زمینه وقوع جرم را مهیا ساخته باشد وگرنه تعقیب شرکت‌هایی که تمامی تدابیر لازم را برای کشف و پیشگیری از تخلفات مورد نظر به کار بسته‌اند، می‌تواند با دلسرد کردن آنها درست نتیجه معکوس خواست ما را به بار آورد.

به نظر می‌رسد، لبه تیز این انتقادات بیشتر متوجه افراط‌گری‌های مذکور در حقوق جزای ایالات متحده است و نتیجتاً اگر معیارهای منصفانه‌تری نظیر آنچه که در اسناد شورای اروپا دیدیم در حقوق این کشور مورد قبول قرار گیرد، ایرادهای مطروحه از سوی صاحب‌نظران تا حد زیادی برطرف خواهد شد. (Weissmann: 1319-1342)

می‌توان نتیجه گرفت که برای کشور ما، بررسی وضعیت متعادل کشورهای مثل فرانسه بیشتر از نمونه‌های نامأنوسی مانند ایالات متحده می‌تواند در زمینه مورد بحث برای روشن کردن مسیر صحیح اصلاحات حقوقی، ثمربخش باشد.

#### د) مقایسه مسئولیت اشخاص حقوقی در حقوق ایران و فرانسه در قبال جرائم اقتصادی یا سازمان یافته

در حقوق جزای ایران تا چندی پیش جز در موارد استثنایی، نه مسئولیت کیفری

اشخاص حقوقی پذیرفته شده بود و نه نهادی که از نظر محتوا با چنین مسئولیتی قابل مقایسه باشد وجود داشت. در مورد جرائم اقتصادی یا سازمان یافته که مورد بحث ما است، هنوز هم (جز در مورد جرائم رایانه‌ای) تقریباً هیچ‌گونه ضابطه‌ای برای جلوگیری از ارتکاب این جرائم در قالب اشخاص حقوقی وجود ندارد. استثنائاً در برخی جرائم مانند رشاء، سوء استفاده در معاملات دولتی و مداخله غیر مجاز در معاملات و داوری‌های عمومی، امکان ارتکاب جرم «به‌طور غیر مستقیم» یا از طریق سایر اشخاص، شامل مواردی نیز می‌شود که مرتکب به عنوان مدیر شخص حقوقی، از طریق اختیارات ناشی از سمت خود، مرتکب جرم شود که در این صورت، شخص حقیقی (مدیر) و نه شخص حقوقی مسئولیت جزایی خواهد داشت.

در عین حال برای داوری منصفانه دو نکته را باید افزود: نخست اینکه قانون مجازات اخلال‌گران در نظام اقتصادی کشور و قانون راجع به منع مداخله وزرا و نمایندگان مجلس و کارمندان دولت در معاملات دولتی و کشوری، در موارد ارتکاب جرم توسط اشخاص حقوقی، نوعی مسئولیت جزایی اضافی ناشی از عدم اعلام و پیشگیری از جرم برای مدیران، بازرسان و مسئولین اشخاص حقوقی در نظر گرفته‌اند که منحصرأ در محدوده همین قوانین، خلأ ناشی از فقدان مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی را تا حدی می‌پوشاند؛ دوم اینکه با تصویب قانون جرائم رایانه‌ای در تاریخ ۱۳۸۸/۳/۵، نهاد مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی به صورت مدون و نظام‌مند (هرچند صرفاً در محدوده جرائم مقرر در قانون مزبور) وارد نظام حقوق جزای ایران گردید. ذیلاً به شرح موارد فوق می‌پردازیم:

به موجب تبصره ۲ ماده ۲ قانون مجازات اخلال‌گران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۶۹ (روزنامه رسمی، شماره ۱۳۳۱۰-۱۳۶۹/۱۰/۲۴)، در مواردی که اقدامات مذکور در بندهای ماده ۱ این قانون از طرف شخص یا اشخاص حقوقی اعم از خصوصی یا دولتی یا نهادها و یا تعاونی‌ها و غیر آنها انجام گیرد، فرد یا افرادی که در انجام این اقدامات (مشمول

بر بعضی جرائم اقتصادی مهم) عالماً و عامداً مباشرت و یا شرکت و یا به گونه‌ای دخالت داشته‌اند، بر حسب اینکه اقدامات آنها مصداق فساد فی الارض باشد یا خیر، به مجازات مفسد فی الارض یا مجازات حبس مقرر در قانون مذکور محکوم خواهند شد. در این موارد مدیر یا مدیران و بازرس یا بازرسان و به‌طور کلی، مسئول یا مسئولین ذی‌ربط که به گونه‌ای از انجام تمام یا قسمتی از اقدامات مزبور مطلع شوند مکلف‌اند در زمینه جلوگیری از آن یا آگاه ساختن افراد یا مقاماتی که قادر به جلوگیری از این اقدامات هستند، اقدام فوری و مؤثری انجام دهند و کسانی که از انجام این تکلیف خودداری ورزیده یا با سکوت خود به تحقق جرم کمک کنند، معاون جرم محسوب و در اجرای حکم ذیل تبصره فوق به کیفر معاون جرم محکوم می‌شوند.

همین طور در اجرای قسمتی از ماده دوم قانون راجع به منع مداخله مصوب ۱۳۳۷/۱۰/۲۲ (مجموعه قوانین سال ۱۳۳۷ : ۵۸۸-۵۸۶)، مسئولین و مدیران اشخاص حقوقی و مؤسساتی که در هنگام انجام معامله غیر قانونی، با علم و اطلاع، وجود حالت تعارض منافع به شرح مقرر در آن قانون را اعلام نمایند، به مجازات مباشر جرم محکوم می‌شوند.

اما به عنوان نمونه واقعی مسئولیت جزایی اشخاص حقوقی، مواد ۱۹ و ۲۰ قانون جرائم رایانه‌ای<sup>۴</sup> (که در فصل ششم این قانون تحت عنوان «مسئولیت کیفری اشخاص» جای داده شده‌اند) در یک نوآوری قابل توجه، برای نخستین بار به شرح زیر قواعد مسئولیت جزایی اشخاص حقوقی را بیان داشته‌اند؛ ماده ۱۹ مقرر می‌دارد: «در موارد زیر، چنانچه جرائم رایانه‌ای به نام شخص حقوقی و در راستای منافع آن ارتکاب یابد، شخص

۴. مواد ۷۴۷ و ۷۴۸ الحاقی قانون مجازات اسلامی

حقوقی دارای مسئولیت کیفری خواهد بود: الف) هرگاه مدیر شخص حقوقی مرتکب جرم رایانه‌ای شود؛ ب) هرگاه مدیر شخص حقوقی دستور ارتکاب جرم رایانه‌ای را صادر کند و جرم به وقوع بپیوندد؛ ج) هرگاه یکی از کارمندان شخص حقوقی با اطلاع مدیر یا در اثر عدم نظارت وی، مرتکب جرم رایانه‌ای شود؛ د) هرگاه تمام یا قسمتی از فعالیت شخص حقوقی به ارتکاب جرم رایانه‌ای اختصاص یافته باشد. تبصره ۱- منظور از مدیر کسی است که اختیار نمایندگی یا تصمیم‌گیری یا نظارت بر شخص حقوقی را دارد. تبصره ۲- مسئولیت کیفری شخص حقوقی، مانع مجازات مرتکب نخواهد بود و در صورت نبود شرایط صدر ماده و عدم انتساب جرم به شخص حقوقی، فقط شخص حقیقی مسئول خواهد بود.»

در ماده فوق، بندهای (الف) (ب) و (د) در راستای نظریه مغز متفکر وضع شده‌اند؛ همان‌طور که گفته شد طبق این نظریه، اقداماتی که در راستای منافع شخص حقوقی توسط ارکان و نمایندگان شخص حقوقی و به نام این شخص واقع می‌گردد، به حساب شخص حقوقی گذارده می‌شود<sup>۵</sup> تعریف موسع تبصره ۱ ماده ۱۹ از کلمه «مدیر» از نقاط قوت مقررات فوق محسوب می‌گردد، اما چه بسا بهتر بود قانون‌گذار افزون بر جرائم ارتكابی توسط مدیران، به جرائم ارتكابی توسط ارکان شخص حقوقی نیز اشاره می‌کرد تا مسئولیت شخص حقوقی به سبب تصمیمات گروهی اتخاذ شده مثلاً در قالب مجامع عمومی یا هیئت‌های امنای و نظایر آن، به سهولت قابل احراز باشد. در مورد بند (د) ماده ۱۹

۵. ماده ۱۴۲ لایحه قانون مجازات اسلامی (متن مصوب کمیسیون امور حقوقی و قضایی مجلس شورای اسلامی) منحصراً نظریه مغز متفکر را به عنوان مبنای مسئولیت کیفری شخص حقوقی می‌پذیرد: «... شخص حقوقی در صورتی دارای مسئولیت کیفری است که نماینده قانونی شخص حقوقی به نام یا در راستای منافع آن مرتکب جرمی شود...».

یادآور می‌شویم که اختصاص تمام یا بخشی از فعالیت شخص حقوقی به ارتکاب جرم رایانه‌ای، به معنای فراگیر شدن فعالیت مجرمانه در قالب شخص حقوقی است که جز با مداخله مستقیم یا غیر مستقیم مدیران و ارکان اصلی شخص حقوقی، تقریباً قابل تصور نیست.

برعکس موارد فوق، مفاد بند (ج) ماده ۱۹، در راستای نظریه مسئولیت کارفرما یا مسئولیت ناشی از عمل دیگری به تصویب رسیده است. توضیح اینکه در بند مزبور، صرف اطلاع و یا عدم نظارت مدیر شخص حقوقی نسبت به اعمال زیردستان خود (یعنی ترک فعل صرف) بدون اینکه نیازی به اثبات وحدت قصد بین مدیر و شخص زیردست وجود داشته باشد، موجب تحقق مسئولیت جزایی شخص حقوقی می‌شود. به نظر می‌رسد در موردی که مدیر از ارتکاب جرم در آینده اطلاع داشته مکلف به پیشگیری از وقوع آن است و اگر بر فرض ثابت شود که با وجود تمام تدابیر قابل تصور و متعارفی که مدیر اتخاذ نموده، باز هم جرم توسط کارمند به نام شخص حقوقی و در راستای منافع آن ارتکاب یافته، مثلاً به این علت که فرصت کافی برای جلوگیری از عمل مجرمانه وجود نداشته، صرف اطلاع مدیر کافی نیست و جرم به حساب شخص حقوقی گذارده نمی‌شود زیرا، فرض خلاف یعنی تحقق مسئولیت با وجود تدابیر پیشگیرانه متعارف مانند آنچه در حقوق ایالات متحده دیدیم، با عدالت و انصاف سازگار نیست و بعید است منظور واقعی مقنن بوده باشد. در مورد وقوع جرم بر اثر عدم نظارت مدیر شخص حقوقی (که مصداق دیگری از تحقق مسئولیت کیفری ناشی از عمل دیگری می‌باشد) اثبات اطلاع قبلی مدیر هیچ ضرورتی ندارد و صرف بی‌مبالاتی وی به شکل عدم اتخاذ تدابیر نظارتی کفایت می‌کند. به عبارت دیگر، عدم اطلاعی که ناشی از کوتاهی در نظارت باشد، در حکم اطلاع

مدیر و موجب تحقق مسئولیت جزایی شخص حقوقی است<sup>۶</sup>  
از دیدگاه تطبیقی در حقوق فرانسه، ماده ۲-۱۲۱ قانون مجازات این کشور اعلام می-  
دارد:

«اشخاص حقوقی به استثنای دولت، با رعایت ضوابط مقرر در مواد ۴-۱۲۱ تا ۷-۱۲۱  
به واسطه جرائمی که توسط ارکان یا نمایندگان آنها به حساب آنها ارتکاب می‌یابد،  
مسئولیت جزایی دارند.

«مع ذلك اجتماعات محلی و تشکلات جمعی ناشی از آنها مسئولیت کیفری ندارند  
مگر به سبب جرائمی که در حین فعالیت‌هایی ارتکاب یافته که می‌تواند موضوع قرارداد-  
های واگذاری خدمات عمومی باشد.

«مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی با رعایت قسمت چهارم ماده ۳-۱۲۱، با مسئولیت  
جزایی اشخاص حقیقی که مباشر یا معاون همان عمل مجرمانه بوده‌اند منافاتی ندارد.»

مطابق این ماده برای تحقق مسئولیت کیفری شخص حقوقی کافی است اولاً: عمل  
مجرمانه توسط رکن (ارگان) شخص حقوقی یا یکی از نمایندگان آن ارتکاب یابد و ثانیاً:  
عمل مجرمانه در راستای منافع یا به عنوان پیشبرد فعالیت شخص حقوقی صورت پذیرد. به  
موجب قسمت نخست ماده، هر شخص حقوقی حقوق خصوصی یا حقوق عمومی به  
استثنای دولت اعم از اینکه انتفاعی باشد یا خیر و اعم از اینکه تابعیت فرانسه را داشته باشد  
یا خارجی محسوب شود، ممکن است به موجب قانون دارای مسئولیت جزایی شناخته  
شود. با این وجود در مورد اجتماعات عمومی محلی از قبیل شهرداری‌ها و اتحادیه‌های

۶. بهتر بود دست کم در ارتباط با جرائم اقتصادی و یا سازمان‌یافته غیر رایانه‌ای نیز در لایحه قانون مجازات  
اسلامی، نظریه مسئولیت کارفرما یا مسئولیت ناشی از عمل دیگری، مورد قبول قرار می‌گرفت و ناهماهنگی  
بین ضوابط مسئولیت در جرائم رایانه‌ای و جرائم غیر رایانه‌ای موافق مصلحت به نظر نمی‌رسد.

ناشی از آنها، چون در امور حاکمیتی شبیه دولت هستند، مسئولیت کیفری قابل احراز نیست و فقط در اموری که ماهیتاً جنبه خدماتی دارند و به موجب قرارداد، امکان واگذاری آنها به اشخاص عمومی یا خصوصی دیگر وجود دارد، تحقق مسئولیت کیفری امکان پذیر است.

در حقوق هیچ یک از دو کشور ایران و فرانسه، شرط مسئولیت کیفری این نیست که شخص حقوقی از ارتکاب جرم سود برده باشد و نیز ضرورتی ندارد که فردی که از جانب شخص حقوقی و به حساب آن مرتکب جرم شده، شناخته شده باشد. از نظر حقوق فرانسه (در مقایسه با حقوق ایران که از واژه «مدیر» با تعریف موسع استفاده شده) اشخاص حقوقی برای جرائمی مسئولیت دارند که توسط ارکان متشکله آنها از قبیل هیئت مدیره، هیئت امنا، مجمع عمومی و... یا توسط افرادی که قانوناً به عنوان نمایندگی شخص حقوقی عمل می-کنند ارتکاب می یابد. این نمایندگی ممکن است در امور خاص و معینی اعطا شده یا به طور کلی و با اختیارات وسیعی تفویض شده باشد.<sup>۷</sup>

مقررات ماده ۳-۱۲۱ قانون مجازات فرانسه در مورد عنصر روانی جرم با وضعیت اشخاص حقوقی نیز انطباق داده می شود. نتیجتاً در مواردی که فقدان نظارت و مسئولیت پذیری کافی توسط افرادی که در چارچوب شخص حقوقی دارای موقعیت رهبری و مدیریت عالی هستند، زمینه را برای ارتکاب جرم مساعد ساخته یا موانع تحقق جرم را حذف کرده باشد، مسئولیت مدنی یا جزایی شخص حقوقی حسب مورد قابل احراز خواهد بود. توضیح اینکه از زمان اصلاحات صورت گرفته در ژوئیه ۲۰۰۰، در جرائمی که عنصر روانی آنها به صرف تقصیر غیر عمدی محقق می گردد، مقررات قسمت چهارم ماده

7. Cass Crim 26 June 2001, Bull. Crim no. 161.

۳-۱۲۱ قانون‌نامه مجازات فرانسه حاکمیت دارد و لذا در فرض مورد بحث، هرگاه نمایندگان اصلی شخص حقوقی از یک تکلیف قانونی مشخص به رعایت حزم و مراقبت، آگاهانه تخلف ورزیده و این امر به وقوع جرم غیر عمدی توسط یکی از کارکنان تحت مدیریت انجامیده باشد، مسئولیت کیفری شخص حقوقی و مدیران مقصر به طور توأم احراز می‌شود. اما در جرائم عمدی، لازم است برای تحقق مسئولیت جزایی شخص حقوقی، نماینده یا ارگان مسئول در قالب شخص حقوقی با قصد مجرمانه اقدام کرده باشد که این قصد مجرمانه، در حکم قصد مجرمانه شخص حقوقی بوده و در غیاب آن، امکان تحقق مسئولیت مدنی و نه کیفری وجود خواهد داشت- (Beale and Safwat, 2005: 117; Bouloc, 2007: 279 et seq). به این ترتیب می‌توان گفت که مفاد بند (ج) ماده ۱۹ قانون جرائم رایانه‌ای در حقوق ایران، از موضع اتخاذ شده در حقوق فرانسه سخت‌گیری بیشتری به خرج داده، به این معنا که در حقوق ایران، حتی در جرائم عمدی نیز کوتاهی مدیران در نظارت بر اعمال کارمندان شخص حقوقی، به شرطی که جرم به صورت عمدی توسط کارمند در راستای منافع شخص حقوقی و به نام آن ارتکاب یابد، برای تحقق مسئولیت جزایی شخص حقوقی نسبت به جرائم رایانه‌ای کافی بوده و نیازی نیست که مدیر شخص حقوقی به نوبه خود، عنصر روانی لازم برای ارتکاب جرم عمدی یا معاونت در آن را داشته باشد.

همان‌گونه که در تبصره (۲) ماده ۱۹ قانون جرائم رایانه‌ای ایران و در قسمت اخیر ماده ۲-۱۲۱ قانون جزای فرانسه هم تصریح شده، استناد به مسئولیت کیفری شخص حقوقی، هیچ‌گاه موجب نمی‌شود اشخاص حقیقی که در همان جرم، مباشرت یا شرکت یا معاونت داشته‌اند، از مسئولیت کیفری مبرا شوند.

در حقوق ایران ماده ۲۰ قانون جرائم رایانه‌ای به بیان ضمانت اجراهای کیفری قابل اعمال نسبت به اشخاص حقوقی اختصاص دارد؛ اشخاص حقوقی موضوع ماده ۱۹ قانون



مذکور «با توجه به شرایط و اوضاع و احوال جرم ارتكابی، میزان درآمد و نتایج حاصله از ارتكاب جرم، علاوه بر سه تا شش برابر حداکثر جزای نقدی جرم ارتكابی به ترتیب ذیل محکوم خواهند شد: الف) چنانچه حداکثر مجازات حبس آن جرم تا پنج سال حبس باشد، تعطیلی موقت شخص حقوقی از یک تا نه ماه و در صورت تکرار جرم، تعطیلی موقت شخص حقوقی از یک تا پنج سال؛ ب) چنانچه حداکثر مجازات حبس آن جرم بیش از پنج سال حبس باشد، تعطیلی موقت شخص حقوقی از یک تا سه سال و در صورت تکرار جرم، شخص حقوقی منحل خواهد شد. تبصره- مدیر شخص حقوقی که طبق بند (ب) این ماده منحل می‌شود تا سه سال حق تأسیس یا نمایندگی یا تصمیم‌گیری یا نظارت بر شخص حقوقی دیگر را نخواهد داشت.»

برعکس ماده ۱۹ که انتقاد زیادی بر آن وارد نیست، ماده ۲۰ قانون مورد بحث به شرح فوق از جهات عدیده قابل انتقاد است؛ اولاً: تنوع ضمانت اجراها برخلاف آنچه در حقوق فرانسه خواهیم دید، بسیار ناچیز است و دادگاه ظاهراً جز صدور حکم تعطیلی یا انحلال یا جزای نقدی، انتخاب دیگری در اختیار ندارد.<sup>۸</sup> در ضمن، برخورد یکسان با موارد مذکور در بندهای مختلف ماده ۱۹، به هیچ وجه منطقی نیست، زیرا، میان موردی که فعالیت شخص حقوقی بعضاً یا تماماً به ارتكاب جرم اختصاص یافته و نتیجتاً جرم جنبه به عادت پیدا کرده به شرح بند (د) ماده ۱۹ از یک سو و موردی که فقط عدم پیشگیری یا نظارت صحیح توسط مدیر، موجب تحقق جرم گردیده به شرح بند (ج) ماده ۱۹ از سوی

۸. خوشبختانه در ماده ۲۰ لایحه قانون مجازات اسلامی چنین اشکالی به نظر نمی‌آید و تنوع ضمانت اجراها به مراتب بیشتر شده است که عبارتند از: انحلال شخص حقوقی؛ ممنوعیت از یک یا چند فعالیت شغلی یا اجتماعی؛ ممنوعیت از دعوت عمومی برای افزایش سرمایه؛ جزای نقدی؛ مصادره اموال؛ انتشار حکم محکومیت به وسیله رسانه‌ها.

دیگر، تفاوت بزرگی چه از نظر اخلاقی و چه از نظر سیاست دفاع اجتماعی وجود دارد که جا داشت قانون‌گذار آن را در نظر بگیرد. ثانیاً: نحوه اجرای حکم تعطیلی یا انحلال و بخصوص چگونگی تضمین حقوق اشخاص ثالث دارای حسن نیت مثلاً نحوه پرداخت دیون و تعهدات شخص حقوقی منحل یا تعطیل شده، مشخص نشده و معلوم نیست که آیا مدیر تصفیه یا سرپرست موقتی برای شخص مزبور توسط مراجع قضایی تعیین خواهد شد یا خیر و در صورت پاسخ مثبت، صلاحیت انجام این مهم با دادگاه کیفری یا دادگاه حقوقی یا واحد اجرای احکام کیفری دادسرا است یا هیچ کدام وظیفه‌ای در این باره ندارند مگر اینکه تقاضایی از طرف اشخاص ذی‌نفع به عمل آید. حتی در مورد اجرای جزای نقدی هم معلوم نیست که در صورت استنکاف شخص حقوقی از پرداخت جزای نقدی، تکلیف چیست. آیا می‌توان اموال شخص حقوقی را توقیف کرد و اگر چنین است، در صورتی که مدیران شخص حقوقی در جریان رسیدگی با انحلال صوری شخص حقوقی یا انتقال اموال یا پنهان کردن آنها مانع اجرای حکم شوند، چه اثری بر صدور حکم غیر قابل اجرای جزای نقدی مترتب است؟ مسلماً پیش‌بینی تصویب آیین‌نامه اجرایی مربوط به احکام کیفری صادره علیه اشخاص حقوقی و نیز انجام اصلاحاتی در قانون آیین دادرسی کیفری، برای اجرای واقعی مواد ۱۹ و ۲۰ قانون جرائم رایانه‌ای ضرورت دارد.

در مقام مقایسه، تنوع ضمانت‌های اجرای کیفری قابل اعمال نسبت به اشخاص حقوقی، از نقاط قوت حقوق جزای فرانسه محسوب می‌گردد. (Beale and Safwat, 2005: 109)

مواد ۳۸-۱۳۱ و ۳۹-۱۳۱ از قانون‌نامه مجازات فرانسه به احصاء ضمانت‌های اجراها یا کیفرهای قابل اعمال نسبت به اشخاص حقوقی اختصاص دارد. طبق ماده ۳۸-۱۳۱ جزای نقدی مقرر برای اشخاص حقوقی حداکثر پنج برابر حداکثر کیفر نقدی مقرر برای اشخاص حقیقی در جرم مشابه است و هرگاه قانوناً در جرم مزبور مجازات نقدی برای اشخاص حقیقی در نظر گرفته نشده باشد، کیفر نقدی شخص حقوقی تا یک میلیون یورو خواهد بود. در ماده ۳۹-

۱۳۱ سایر کیفی‌های قابل اعمال نسبت به اشخاص حقوقی که به شرط تصریح در قواعد اختصاصی جرم ارتكابی قابل اعمال هستند، به شرح زیر بیان شده است:

نخست، انحلال شخص حقوقی در صورتی که تأسیس آن از آغاز برای ارتكاب جرم بوده یا در صورتی که جرم ارتكابی برای اشخاص حقیقی مستلزم سه سال حبس یا بیشتر باشد، در موردی که فعالیت آن در تعقیب اهداف مجرمانه از مسیر خود منحرف شده باشد؛ دوم، ممنوعیت دائمی یا حداکثر به مدت پنج سال از فعالیت یا فعالیت‌های حرفه‌ای و اجتماعی معین، عرضه و انتشار اوراق بهادار برای جلب سرمایه و یا مداخله در معاملات عمومی؛ سوم، مصادره عواید مجرمانه و یا اموالی که وسیله ارتكاب جرم بوده یا به این منظور اختصاص یافته است؛ چهارم، تعطیلی تمام یا بعضی از تأسیسات یا مؤسسات متعلق به شخص حقوقی که محل ارتكاب جرم بوده؛ پنجم، ممنوعیت موقت از صدور چک جز در موارد معین و ممنوعیت از کاربرد کارت‌های اعتباری برای مدتی که از پنج سال بیشتر نباشد؛ ششم، محرومیت از نگهداری حیوانات یا مصادره جانوری که وسیله ارتكاب جرم بوده یا جرم علیه آن ارتكاب یافته؛ سرانجام، انتشار یا توزیع عمومی حکم محکومیت.

شایان ذکر است که در فرانسه، مجازات انحلال و تعطیلی مؤسسه در مورد مسئولیت کیفری اشخاص حقوق عمومی، احزاب سیاسی، سندیکاها، حرفه‌ای و مجازات انحلال در مورد اتحادیه‌های کارگری قابل اعمال نیست (که البته این استثنائات از نظر سیاسی و اداری کاملاً قابل درک هستند).<sup>۹</sup>

۹. در حقوق ایران، اصولاً معلوم نیست که آیا مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی شامل حال اشخاص حقوق عمومی نیز می‌شود و اگر به استناد عموم و اطلاق ماده ۱۹ قانون جرائم رایانه‌ای پاسخ را مثبت فرض کنیم، تکلیف اجرای مجازات‌های تعطیلی و یا انحلال در مورد اشخاص حقوق عمومی (که تعطیلی یا انحلال آنها مشکلات مختلفی را در بر خواهد داشت) چه می‌شود؟

با توجه به اصل شخصی بودن مجازات‌ها، اگر عملیات انحلال و تصفیه شخص حقوقی قبل از محکومیت کیفری خاتمه یافته باشد، امکان تحمیل مجازات وجود ندارد؛<sup>۱۰</sup> با این همه در صورت جذب و خریداری یک شرکت توسط شرکت دیگر، امکان محکومیت شرکت خریدار یا جذب کننده به اتهام دریافت اشیاء حاصل از جرم وجود خواهد داشت. در صورت انحلال شخص حقوقی پس از محکومیت کیفری، جزای نقدی و مصادره اموال به قوت خود باقی خواهد بود. (GRECO: 16-17)

برخلاف آنچه در حقوق ایران دیدیم که مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی به جرائم رایانه‌ای اختصاص دارد، قانون مجازات فرانسه، امکان مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی را به‌طور موسع در جرائم سازمان‌یافته یا اقتصادی، به شکل فراگیری پیش‌بینی نموده است که موارد ذیل را فقط به عنوان مثال ذکر می‌کنیم:

به موجب مواد ۲۵-۴۳۳ و ۴۷-۴۳۴ قانون‌نامه مجازات، اشخاص حقوقی در جرائم رشاء و سوداگری نفوذ، طبق ضوابط مذکور در ماده ۲-۱۲۱ (که فوقاً شرح گردید) ممکن است مسئولیت کیفری داشته باشند. همچنین در مورد جرم کلاهبرداری (که در بعضی از مصادیق خود، در زمره بزهکاری‌های اقتصادی یا سازمان‌یافته قرار می‌گیرد) نیز برابر ماده ۹-۳۱۳، مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی امکان‌پذیر می‌باشد. در این جرم، علاوه بر کیفر نقدی که پنج برابر جزای نقدی اشخاص حقیقی است، اشخاص حقوقی ممکن است به یک یا چند مورد از مجازات‌های مقرر در ماده ۳۹-۱۳۱ (از جمله انحلال اجباری) نیز به شرحی که قبلاً نقل کردیم محکومیت یابند.

۲) موافق مواد ۱۲-۳۲۱ و ۹-۳۲۴ قانون‌نامه مجازات، در جرائم تطهیر عواید مجرمانه

10. Cass Crim 20 June 2000, Bull. Crim no. 237.

و دریافت اشیاء حاصل از جرم که در مواد ۱-۳۲۱ تا ۴-۳۲۱، ۱-۳۲۴ و ۲-۳۲۴ موضوع حکم مقنن قرار گرفته، مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی قابل احراز بوده و علاوه بر جزای نقدی به مأخذ پنج برابر مقرر برای اشخاص حقیقی، کیفرهای مذکور در ماده ۳۹-۱۳۱ (که در ارتباط با کلاهبرداری ذکر شد) در این جرائم نیز قابل تحمیل هستند.

۳) نظیر این مقررات برای مسئولیت اشخاص حقوقی در انواع مختلف جرائمی که مورد اقبال گروه‌های مجرمین سازمان‌یافته هستند، پیش‌بینی شده‌است. از آن جمله به مقررات ذیل از قانون‌نامه مجازات فرانسه می‌توان اشاره کرد: ماده ۴۲-۲۲۲ در مورد مسئولیت اشخاص حقوقی در جرائم مربوط به مواد مخدر و تطهیر عواید آن؛ ماده ۶-۴-۲۲۵ راجع به مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در جرم قاچاق انسان و ماده ۱۲-۲۲۵ در مورد مجازات اشخاص حقوقی در جرائم مربوط به استثمار جنسی و بزه‌های مشابه یا مرتبط با آن.

ه) کاستی‌های مقررات حقوق جزای ایران در زمینه مسئولیت اشخاص حقوقی آنچه در حقوق جزای ایران در مقوله مورد بحث ما بیش از هر چیز مایه نگرانی است، عدم شناسایی مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی (در غیر مورد جرائم رایانه‌ای) است که امکان فرار مجرمین از ضمانت اجرای کیفری را به شدت افزایش می‌دهد. مشکل زمانی بیشتر مایه تشویش خاطر می‌گردد که توجه کنیم، مقررات قدیمی موجود در مورد ثبت شرکت‌ها، تشکیل شرکت‌های صوری برای پوشاندن آثار تخلفات مالی و گم کردن رد پای جرائم را تا چه پایه آسان کرده، به طوری که با کمتر از صد هزار تومان<sup>۱۱</sup> می‌توان

۱۱. ماده ۵ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت، حداقل سرمایه لازم را برای تأسیس شرکت سهامی خاص یک میلیون ریال دانسته که فقط ۳۵ درصد آن باید در موقع تأسیس نقداً پرداخت شده باشد. در مورد سایر شرکت‌های تجاری، هیچ حداقلی برای سرمایه متصور نیست و عملاً با مراجعه به اداره ثبت

شرکت گمنامی تشکیل داده، حساب بانکی به نام آن افتتاح کرد و میلیاردها تومان پول را به نام شرکت سپرده‌گذاری نمود. متأسفانه حتی در قانون مبارزه با پول‌شویی نیز که در همین اواخر (بهمن‌ماه ۱۳۸۶) به تصویب رسیده، وسیله اصلی ارتکاب پول‌شویی یعنی اشخاص حقوقی صوری یا گمنام، تقریباً به کلی فراموش شده و هیچ نوع واکنشی در قبال سوء استفاده از اشخاص حقوقی برای اخفای عواید مجرمانه به چشم نمی‌خورد. رفع این نقیصه ماهوی و عمده قانون را نمی‌توان از آیین‌نامه‌های اجرایی انتظار داشت، زیرا، قوه مجریه یا قوه قضائیه نمی‌توانند اشخاص حقوقی را بدون وجود یک متن قانونی مشخص، از اعمال حقوق مدنی و اجتماعی خود محروم سازند.

در حالی که هنوز هیچ سازکار مشروع و نیرومندی برای نظارت بر عمل‌کردهای مالی و اقتصادی اکثر اشخاص حقوقی وجود ندارد، بدون مبالغه غیر علمی، اگر جلوی فعالیت شرکت‌های به اصطلاح تجاری و مؤسسات غیر انتفاعی قلبی را نگیریم و دادگاه‌ها نتوانند حکم به اعمال ضمانت اجرای مناسب اعم از جزای نقدی، ممنوعیت از فعالیت بخصوص، مصادره اموال، انحلال و نظایر آن برای اشخاص حقوقی متخلف بدهند، وضع مجازات‌های سنگین برای اشخاص حقیقی عمدتاً به تنبیه شدیدتر مجرمین کم‌استعداد منتهی خواهد شد، زیرا، دانه‌درشت‌ها غالباً می‌توانند با گم کردن رد پای جرم در پس ظاهر فریبنده اشخاص حقوقی، از کیفر در امان بمانند.

نکته مهم این است که برخلاف تصور رایج، مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی بیش از آنکه برای کشورهای صنعتی لازم و ضروری باشد، برای کشورهای در حال توسعه، راهگشا و حیاتی است. توضیح اینکه در کشورهای صنعتی، به سبب عوامل مختلفی از قبیل

←

شرکت‌ها می‌بینیم که بدون اطمینان از اصالت امضاء مؤسسين، توسط مؤسسات گمنام و غیر مسئول، هر روز تعداد بسیار زیادی شرکت تجاری به ثبت می‌رسد.

شفافیت بیشتر وضعیت مالی اشخاص حقوقی، وجود گزینه‌های غیر کیفری نظیر مسئولیت مدنی و اداری که به مراتب پیچیده‌تر و پیش‌رفته‌تر از نهادهای مشابه در کشورهای در حال توسعه می‌باشد، نیاز به مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی تا حدودی کاهش می‌یابد، حال آنکه در کشورهای در حال توسعه (به ویژه کشور ما) تقریباً هیچ بدیلی برای گزینه کیفری وجود ندارد و ایجاد چنین بدیلی، به اصلاحات بسیار گسترده‌تری در نظام حقوقی نیاز خواهد داشت؛ نتیجتاً واقع‌بینی ایجاب می‌نماید که با استفاده از نظام عدالت کیفری که از قبل آمادگی بیشتری برای برخورد با پدیده مجرمانه دارد، فعالیت‌های زیان‌بار اشخاص حقوقی تا سرحد امکان تحت نظم و قاعده درآیند.

با تصویب کنوانسیون ملل متحد بر ضد فساد و اجرای آن در مورد کشور ما (روزنامه رسمی، شماره ۱۸۵۶۳-۱۳۸۷/۸/۲۹)، مقنن مکلف است تا در اجرای ماده ۲۶ کنوانسیون، مقررات لازم را به تصویب رساند؛ بر اساس این ماده:

«۱. هر دولت عضو ضمن رعایت اصول حقوقی کشور خود، برای برقراری مسئولیت اشخاص حقوقی به سبب مشارکت در جرائم موضوع این کنوانسیون، تدابیر لازم را اتخاذ خواهد نمود.

«۲. با توجه به اصول حقوقی کشور مربوطه، مسئولیت اشخاص حقوقی ممکن است جنبه کیفری، مدنی یا اداری داشته باشد.

«۳. مسئولیت مذکور هیچ منافاتی با مسئولیت کیفری اشخاص حقیقی که مرتکب جرائم مزبور شده‌اند نخواهد داشت.

«۴. هر دولت عضو به ویژه مکلف است اطمینان حاصل کند که اشخاص حقوقی مورد نظر که مسئولیت آنها مطابق این ماده احراز می‌شود، به ضمانت اجراهای کیفری و

غیر کیفری مؤثر، متناسب و منصرف کننده از جمله ضمانت اجرای جریمه نقدی محکوم می‌شوند.<sup>۱۲</sup>

در واقع نشانه‌هایی از تغییرات مطلوب (هرچند در شکل و قالب نادرست) در ماده ۷ آیین‌نامه پیشگیری و مبارزه با رشوه در دستگاه‌های اجرایی مصوب ۱۳۸۳ (روزنامه رسمی، شماره ۱۷۴۹۳-۱۳۸۳/۱۲/۲۴) مشاهده می‌شود؛ این ماده با پیش‌بینی نوعی مسئولیت اداری برای اشخاص حقوقی مقرر داشته است:

«در صورتی که اشخاص حقیقی و یا حقوقی طرف قرارداد با دستگاه‌های اجرایی مرتکب یکی از اعمال بندهای ماده ۱ آیین‌نامه شوند، دستگاه ذی‌ربط مجاز به عقد قرارداد جدید با اشخاص یادشده به مدت پنج سال نمی‌باشد و این موضوع باید در شرایط معاملات با اشخاص حقیقی و حقوقی درج گردد.

«تبصره ۱- دستگاه اجرایی مربوط موظف است مشخصات اشخاص حقیقی یا حقوقی موضوع این ماده را به سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور نیز اعلام دارد.

«تبصره ۲- در صورتی که اشخاص یادشده حد اقل دو بار مرتکب تخلف مندرج در این ماده گردند، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور موظف است ضمن اعلام نام آنها به

۱۲. برای آنکه هرگونه شبهه‌ای در مورد ضرورت پیش‌بینی مسئولیت کیفری یا شبه کیفری اشخاص حقوقی به ویژه برای کنترل فساد و تحکیم حاکمیت قانون در کشورهای در حال توسعه از ذهن زدوده شود، خاطر نشان می‌سازیم که مفاد ماده فوق، عیناً در ماده ۱۱ پروتکل جامعه اقتصادی کشورهای غرب آفریقا بر ضد فساد تکرار شده، با این تفاوت که این سند منطقه‌ای، برای کشورهای در حال توسعه غرب آفریقا، تعهدات سنگین‌تری منظور می‌نماید. بند ۴ ماده ۱۱ پروتکل علاوه بر ضمانت اجرای نقدی، وجود کیفرهای محرومیت از فعالیت‌های تجاری، حکم به انحلال و تصفیه قضایی و بالاخره، اعمال نظارت قضایی بر فعالیت شرکت‌ها و سایر اشخاص حقوقی متخلف را نیز الزامی می‌سازد.

(ECOWAS Protocol on the Fight Against Corruption, UNODC, 2005: 218)



کلیه دستگاه‌های اجرایی، خودداری از انجام معامله با اشخاص مزبور را جزء شرایط عمومی پیمان لحاظ نماید.»

ماده فوق واجد اشکالات متعددی است که از آن جمله، می‌توان به موارد زیر اشاره داشت: از نظر ماهوی فقدان ساز و کار لازم برای رسیدگی به تخلف، مهم‌ترین این اشکالات است زیرا، به هیچ وجه معلوم نیست که چه مرجعی باید به دفاعیات احتمالی شخص حقیقی یا حقوقی رسیدگی کند و تشخیص علی‌الرأس دستگاه اجرایی، ممکن است خود باب تخلفات گوناگون از جمله نوع دیگری از فساد را باز کند. به علاوه، ماده ۱ آیین‌نامه در مقام بیان و تعریف تخلفات کارمندان دولت و تعریف مصادیق ارتشاء است، نه تعریف مصادیق رشاء؛ بنابراین ارجاع به تخلفات مشروحه در ماده ۱ اشکالات جدی در اجرای این مقررات تولید می‌کند. اما از نظر شکلی، هیچ مستند قانونی مشخصی برای ایجاد این مسئولیت اداری نسبت به اشخاص حقوقی از طریق قوه مجریه وجود ندارد؛ قانون رسیدگی به تخلفات اداری و آیین‌نامه‌هایی که به استناد این قانون به تصویب می‌رسند، فقط می‌توانند مربوط به تکالیف اداری مستخدمین دولت باشند نه اشخاص حقیقی یا حقوقی ثالث.

نمونه دیگری از اقدامات جدید قوه مجریه در گسترش مسئولیت اشخاص حقوقی از لحاظ حقوق اداری، در برخی مواد آیین‌نامه اجرایی قانون مبارزه با پولشویی قابل ملاحظه می‌باشد (روزنامه رسمی شماره ۱۸۸۶۹-۱۳۸۸/۹/۱۸). با این وجود از آنجا که این آیین‌نامه اصولاً برخلاف ماده ۴ قانون مبارزه با پولشویی بدون پیشنهاد شورای عالی مبارزه با پول شویی به تصویب کارگروه ویژه هیئت وزیران رسیده و از جهات متعدد دیگری نیز مورد ایراد ریاست مجلس شورای اسلامی واقع شده، فعلاً بررسی مقررات آن در اینجا ضروری به نظر نمی‌رسد (نامه شماره ۱۷۸/۸۲۶۱ ه/ب؛ ۱۳۸۹/۲/۱۸- نگاه کنید به: پایگاه خبرگزاری اقتصادی، ایکونوز).

### نتیجه گیری

در این نوشتار ملاحظه شد که واقعیت‌های جرم‌شناختی مربوط به جرائم اقتصادی و یا سازمان‌یافته، محافل حقوقی و به دنبال آنها، قانون‌گذاران ملی و مراجع بین‌المللی را وادار ساخته که ظرف حدود بیست یا سی سال گذشته، اقبال روزافزونی به مسئولیت کیفری یا شبه کیفری برای اشخاص حقوقی (مستقل از مسئولیت مدیران یا کارکنان آنها) داشته باشند و از این سازوکار، برای افزایش بازدارندگی سیاست کیفری از یک سو و ترغیب اشخاص حقوقی به مشارکت در پیشگیری از این انواع سودآور و در عین حال بسیار خطرناک بزهکاری از سوی دیگر، بهره گیرند. خطرات این گونه جرائم برای روند توسعه پایدار و متوازن کشور ما (مانند هر کشور دیگری در جهان امروز) جدی‌تر از آن است که بتوانیم همچنان در مورد سوء استفاده از اشخاص حقوقی برای ارتکاب جرم بی تفاوت یا کم‌توجه باشیم، لذا بخصوص با در نظر گرفتن تعهدات صریح کشور در کنوانسیون ملل متحد بر ضد فساد، لازم است هرچه زودتر در این خصوص چاره‌اندیشی شده و اصلاحات لازم به انجام رسد.

بنا بر پاره‌ای ملاحظات عملی که ضعف نهاد مسئولیت مدنی در کشور ما در رأس آنها قرار دارد، مسئولیت اداری و کیفری اشخاص حقوقی را به منظور نیل به هدف فوق باید به شکل موازی توسعه بخشیم. برای آنکه در این مسیر دچار افراط و تفریط‌های زیان‌بار نشویم، تعمیم ضوابط احراز مسئولیت به شرح مقرر در ماده ۱۹ قانون جرائم رایانه‌ای به عموم جرائم اقتصادی و یا سازمان‌یافته و رفع کاستی‌های مربوط به اعمال ضمانت اجراهای مربوطه، توصیه می‌شود. در این مسیر، الگوی حقوق فرانسه که در مقاله حاضر معرفی شد، تا حدود زیادی می‌تواند قابل استفاده باشد. ویژگی‌های بارز این الگو در عناوین کلی زیر خلاصه می‌شود: محدود کردن مسئولیت کیفری در جرائم عمدی به اعمال عمدی نمایندگان یا ارکان شخص حقوقی که در راستای منافع آن صورت می‌پذیرد؛ توسعه

مسئولیت اداری اشخاص حقوقی در راستای مبارزه با پول شویی و سایر جرائم اقتصادی؛ توسعه مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در جرائم ناشی از بی احتیاطی و بی پروایی کارکنان و سرانجام، تنوع ضمانات اجراها اعم از جزای نقدی و تدابیر سرکوبنده و پیش-گیرانه دیگر که واقعاً «مناسب، مؤثر و منصرف کننده» باشند.

اگرچه در سال‌های اخیر بر اساس بعضی آیین‌نامه‌های مصوب قوه مجریه در موارد محدودی، مسئولیت اداری اشخاص حقوقی در قبال ارتکاب جرم رشاء و تخلفات مربوط به مقررات ضد پول شویی گسترش داده شده و با آنکه تصویب مقررات مواد ۱۹ و ۲۰ قانون جرائم رایانه‌ای در جای خود گام بسیار مثبتی در مسیر درست به شمار می‌رود، اینگونه اقدامات به علت محدودیت قلمرو شمول و نیز به علت اشکالات مربوط به ضمانت اجرا و به ویژه فقدان سازوکار رسیدگی مناسب، هنوز عملاً دست‌آورد چندان قابل توجهی در پی نداشته است. در شرایطی که کشور به سوی خصوصی‌سازی بیشتر اقتصاد پیش می‌رود و تعداد اشخاص حقوقی قدرتمند (در هر دو بخش عمومی و خصوصی) رو به فزونی است، دخالت اصولی و هرچه سریع‌تر قوه مقننه در جهت رفع خلأ قانونی موجود کاملاً ضروری به نظر می‌رسد، دخالتی که باید به وضعیت نابسامان فعالیت اشخاص حقوقی در کشور برای همیشه خاتمه دهد.

## فهرست منابع

## الف: فارسی

۱. ایکونیوز، پایگاه خبرگزاری اقتصادی ایران: [www.econews.ir](http://www.econews.ir).
۲. برادران نصیری، هجبر؛ «مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در حقوق ایران و فرانسه: مطالعه ضمانت اجراهای معمول نسبت به اشخاص حقوقی»، پایان نامه کارشناسی ارشد معارف اسلامی و حقوق، دانشگاه تهران، ۱۳۸۲.
۳. خدابخشی، عبد...؛ «نقش قواعد مدنی در شناسایی مسئولیت کیفری شخص حقوقی»، فصل نامه فقه و حقوق، سال پنجم شماره ۱۷ تابستان ۱۳۸۷، ص ص ۱۵۰-۱۲۱.
۴. فرجی، رضا؛ مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۸۸.
۵. هاشمی، روح...؛ «بررسی مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در حقوق ایران با نگرشی به حقوق انگلیس و فرانسه»، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه تهران، ۱۳۸۴.
۶. یوسفیان شوره دلی، بهنام؛ حمایت کیفری از حاکمیت قانون در قلمرو اقتصادی (مطالعه تطبیقی در حقوق ایران و حقوق فرانسه) رساله دکترای حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۸.
۷. یوسفیان شوره دلی، بهنام؛ «آشنایی با ساختار و فعالیت های گروه دولت ها بر ضد فساد (گریکو)» مجله حقوقی دادگستری، شماره ۶۱، زمستان ۱۳۸۶.

## ب: لاتین

1. Beale, Sara Sun: "a response to the critiques of corporate criminal liability" (September 6, 2009), American Criminal Law Review, Forthcoming; available at

SSRN: <http://ssrn.com/abstract=1470683>.

2. Beale, Sara Sun & Safwat, Adam, "What developments in Western Europe tell us about American critiques of corporate criminal liability?", *Buffalo Criminal Law Rev.*, Vol. 8, 2005, pp. 89-163.
3. Bouloc Bernard, [Gaston Stefani Georges Levasseur]: *droit pénal Général*, vingtième édition, Dalloz, 2007.
4. GRECO Secretariat- Council of Europe, "second evaluation round: evaluation report on France", adopted by GRECO at its 21st plenary meeting (Strasbourg, 29 November-2 December 2004), Directorate General- Legal Affairs Department of Crime Problems, GRECO Eval II Rep (2004) 5 E, Strasbourg, 2 December 2004 (public).
5. Hasnas, John: "the centenary of a mistake: one hundred years of corporate criminal liability" (August 19, 2009), *American Criminal Law Rev.*, Forthcoming; available at SSRN: <http://ssrn.com/abstract=1457771>.
6. Henning, Peter J.: "corporate criminal liability and the potential for rehabilitation" (September 23, 2009), *American Criminal Law Review*, Forthcoming; Wayne State University Law School Research Paper no. 09-21, available at SSRN: <http://ssrn.com/abstract=1477535>.
7. Hill, Gennifer G.: "corporate criminal liability in Australia: an evolving corporate governance technique?", *Vanderbilt Law School, Law and Economics Research Paper Series no. 03-10; Journal of Business Law*, p. 1, 2003; also available at SSRN: <http://ssrn.com/abstract=429220>.

8. Lederman, Eli: "Models for Imposing Corporate Criminal Liability: from Adoption and Imitation Toward Aggregation and the Search for Self-Identity", Buffalo Criminal Law Rev., Vol. 4, 2000, pp. 641-708.
9. Legifrance – Le service public de l'accès au droit <http://www.legifrance.gouv.fr>
10. Szott Moohr, Geraldine: "on the prospects of deterring corporate crime", Journal of Business and Technology Law, vol. 2, 2007; also available at SSRN: <http://ssrn.com/abstract=1001707>.
11. Tarelli, Elis: "a brief introduction to the principles and rules for determining corporate criminal liability" (September 10, 2004), available at SSRN: <http://ssrn.com/abstract=1467817>.
12. UNODC- United Nations Office on Drugs & Crime [2005]: "compendium of international legal instruments on corruption", 2nd edition, United Nations New York, 2005.
13. UNODC- United Nations Office on Drugs & Crime [2006]: "legislative guide for the implementation of the United Nations Convention Against Corruption", United Nations New York, 2006.
14. Weissmann, Andrew: "anew approach to corporate criminal liability", American Criminal Law Rev., vol. 44, no. 4, 2007; also available at SSRN: <http://ssrn.com/abstract=1085400>